

## جمعیت جهان افزایش مییابد!

اما نیمی از جهان «فقیر» است.

جمعیت جهان در اواسط سال ۱۹۵۷ میلادی در حدود ۲۷۹۵ میلیون تخمین زده شد در حالی که در ۱۹۵۰ فقط به ۲۴۹۳ میلیون میرسید. سرعت سالانه افزایش جمعیت جهان ۱٫۶ درصد است جمعیت کره زمین در ۱۹۴۰ ۲۲۴۶ میلیون و در ۱۹۳۰-۱۹۳۱ ۲۰۱۳ میلیون و در ۱۹۲۰ میلادی بالغ بر ۱۸۱۰ میلیون بوده است. از روی این آمار دقیق که از طرف مراجع بین المللی تهیه شده است میزان افزایش جمعیت و نگرانیهای اقتصادی ناشیه از آن را میتوان حدس زد.

قطعه آسیا در حالی که اتحاد شوروی را استثنا کنیم بایک ضریب افزایش جمعیت که به ۱/۶ درصد در سال میرسد پر جمعیت ترین قطعات جهان میباشد و در حدود ۵۶ درصد از جمعیت دنیا را در نیمه سال ۱۹۵۷ در خود جا داده بود. اروپا با استثنای اتحاد شوروی با کمترین ضریب افزایش سالانه (۰٫۷ درصد) از لحاظ تراکم جمعیت در درجه اول قرار دارد در حالی که اقیانوسیه با بالاترین ضریب افزایش (۲/۲ درصد) از لحاظ تراکم جمعیت در ردیف آخر است. جمعیت جهان در فاصله ۱۹۵۳ تا ۱۹۵۷ فقط در سرزمین های انگشت شماری تقلیل پیدا کرد و از میان آنها آلمان شرقی و برلن شرقی و ایسلند را که بترتیب ضریب تقلیل جمعیت سالانه آنها ۰/۹، ۰/۳ و ۱/۳ درصد و ۰/۵ درصد است میتوان نام برد.

بخش جمعیت بشر در اواسط سال ۱۹۵۷ در قطعات پنج گانه وهم چنین میزان تراکم و ضریب افزایش سالانه را جدول زیر نمایش میدهد:

جمعیت	تراکم در	ضریب افزایش سالانه
میلیون نفر	کیلومتر مربع	۱۹۵۰-۵۷
۲۷۹۵	۲۱	۱/۶
۲۲۵	۷	۱/۸
۳۸۱ (شمالی و جنوبی)	۹	۲/۱
۱۵۵۶ (با استثنای جماهیر شوروی)	۵۷	۱/۸
۴۱۴	۸۴	۰/۷



اقیانوسیه ۱۵/۴

۲

۲/۲

باین ترتیب جمعیت بشر در روی کره ارض سالانه ۱/۶ درصد اضافه میشود اما آیا تمام مردم جهان از وسائل لازمه زندگی (تغذیه خوب - لباس کافی و مسکن راحت) برخوردار هستند. آیا امکان تفریح و آسایش و استراحت فکری برای همه انسانها میسر است و بالاخره آیا حداقل معیشت برای تمام این افراد تأمین گردیده است ؟

متأسفانه پاسخ منفی است. و فقر حکومت خود را با شدت و قدرت ادامه میدهد و نیمی از مردم جهان را درینجه خود میفشارد. پال هو فمان ریاست صندوق مخصوص سازمان ملل متحد اعلام داشت: تمام مردم کشورهای عقب مانده در فقر مطلق بسر میبرند و فقط برای شروع مبارزه با فقر در کشورهای عقب مانده ۷۰۵ میلیون دلار ضروری است و بنظر هو فمان این وجه را باید دول ثروتمند تأمین نمایند.

پروفسور لنسلوت بیلز تاریخ دان انگلیسی اخیراً نطقی در دانشگاه واشنگتن ایراد نمود و اعلام داشت: «بزرگترین دشمن تمدن و فرهنگ بشر در دنیای معاصر کمونیزم نیست این فقر است که اساس مدنیت ما را تهدید میکند. اگر اقتصاد کشورهای جهان بهبود یابد خطر جنگ و سلطه کمونیست ها از بین خواهد رفت.»

مسئله جمعیت بشر و فقر يك موضوع جدید نیست و سالهاست که دنیا با آن روبرو شده. یکبار مالتوس اقتصاد دان بزرگ انگلیسی در اثر حسابهای نادرست و توهماتى که در خصوص آینده داشت پیش بینی های یاس آوری در خصوص ازدیاد جمعیت بشر و کمبود ارزاق و وسائل زندگی نمود و جهان را دچار وحشت گردانید اما تحول و تکامل تکنیک و ماشین و پیشرفت دانش بشری نظریه مالتوس را باطل ساخت.

لیکن علیرغم پیشرفت علوم و فنون و امکانات فراوانی که برای بشر امروز بوجود آمده است باز هم فقر بر نیمی از مردم جهان حکومت میکند. در آسیا و آفریقا و جزایر اقیانوسیه از يك طرف محرومیت و کمبود مواد غذایی و وسائل زندگی محسوس است. و از طرف دیگر در داخل بهشت کمونیسم و هم چنین جهان سرمایه داری نیز اکثریتی بزرگ سرنوشتی جز آنچه مردم مستعمرات دارند پیدا نکرده اند. در هند و چین و ژاپون برای تقلیل موالید تدابیری اتخاذ شده و از مجازات سقط جنین کاستند و دنیای مضطرب نیمه



دوم قرن بیستم یکبار دیگر بامسئله جمعیت مواجه شده است! آیا باید در انتظار يك مالتوسیا نیزم جدید بود یا اینکه بازهم تحول زندگی و علوم راه تازه در پیش پای بشریت میگذارد؟

«اندیشه و هنر»

و خداوند با ابرام گفت از ولایت خود و از مولد خویش و از خانه پدر خود بسوی زمین که بتو نشان دهم بیرون شو. و از تو امتی عظیم پیدا کنم و ترا برکت دهم و نام ترا بزرگ سازم... پس ابرام چنانکه خداوند بدو فرموده بود روانه شد و او طهمراه وی رفت... و ابرام طی منازل و مراحل کرده سمت جنوب کوچید. و قحطی در آن زمین شد و ابرام بمصر فرود آمد... و چون نزدیک مصر شد بزنی خود سارای گفت اینک میدانم که تو زن نیکو منظر هستی. همانا چون اهل مصر ترا ببینند گویند این زوجه اوست پس مرا بکشند و ترا زنده نگاهدارند. پس بگو که تو خواهر من هستی تا بخاطر تو برای من خیریت شود و جانم بسبب تو زنده ماند. و بمجرد ورود ابرام بمصر اهل مصر آن زن را دیدند که بسیار خوش منظر است. و امرای فرعون او را دیدند و او را در حضور فرعون ستودند پس ویرا بخانه فرعون در آوردند. و بخاطر وی با ابرام احسان نمودند و او صاحب میشها و گاوان و حماران و غلامان و کنیزان و ماده الاغان و شتران شد. و خداوند فرعون و اهل خانه او را بسبب سارای زوجه ابرام بیلایای سخت مبتلا ساخت. و فرعون ابرام را خوانده گفت این چیست که بمن کردی چرا مرا خبر ندادی که او زوجه تست. چرا گفتی او خواهر منست که او را بزنی گرفتم و الان اینک زوجه تو او را برداشته روانه شو! نگاه فرعون امر فرمود تا او را بازوجه اش و تمام مایملکش روانه نمودند!

«از باب دو از دهم - سفر پیدایش - عهد عتیق»